

مستدرکی بر نهج البلاغه در میان نسخه‌های خطی نهج البلاغه - محمد جعفر اسلامی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۸ - ۱۵۷

مستدرکی بر نهج البلاغه در میان نسخه‌های خطی نهج البلاغه

محمد جعفر اسلامی *

چکیده: از آنجا که نهج البلاغه دربردارنده بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام است، عالمان، محدثان و ادباء بسیاری پس از تألیف این کتاب، شروع به نوشتن شرح، حاشیه و استدراک بر این کتاب گران‌سنگ کردند. از جمله این مستدرکها می‌توان به مستدرک احمد بن ناچه (م ۵۵۹ ق) اشاره کرد که داشتن خطبه‌هایی مانند: الدرّة الیتیمه، الأقالیم، البیان، از ویژگیهای این مستدرک است. یادآوری می‌شود که این خطبه‌ها در هیچ یک از مصادر روایی موجود به طبع نرسیده است.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه / مستدرک نهج البلاغه / احمد بن ناچه.

مقدمه

از آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام فصیح‌ترین خطیبان است و به گفته ابن عباس: «کلام علی پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است» (ابوالبرکات شافعی، ج ۱، ص ۲۹۸)، در طول تاریخ، عالمان، محدثان و ادیبان بسیاری به جمع کلمات و خطبه‌های ایشان اقدام کرده‌اند. نخستین کسانی که به این کار دست زدند، اصحاب خود امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات ایشان بوده‌اند؛ مانند حارث اعور همدانی (کلینی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ طوسی، ص ۱۸۱)، زید بن وهب جهنی (طوسی، ص ۱۳۰؛ معالم العلماء، ص ۸۶؛ نقرشی، ج ۲، ص ۲۹۱)، اصبع بن نباته و مالک اشتر نخعی و

جمع‌آوری کلمات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از شهادت ایشان نیز ادامه پیدا کرد و بسیاری از محدثان عامه و خاصه به این امر اهتمام ورزیدند. از محدثان شیعه می‌توان به ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ ق) (نجاشی ص ۴۳۴؛ سید عبدالعزیز طباطبائی، مجله تراثنا، شماره پنجم، ص ۲۲۶) مسعدة بن صدقة (همو، ص ۴۱۵)، سید ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی (نجاشی، ص ۲۴۸؛ علامه حلی، ص ۲۲۶)، اسماعیل بن مهران (نجاشی، ص ۲۷) و صالح بن ابی حماد (همو، ص ۱۹۸) اشاره نمود، و از محدثین عامه می‌توان به محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ ق) (آقابزرگ طهرانی، ج ۷، ص ۱۹۱)، علی بن محمد مدائنی (م ۲۲۵ ق) (ابن‌ندیم، فهرست، ص ۱۱۴) اشاره کرد. همچنین عالمان، محدثان و ادباء بسیار دیگری به این امر اقدام نموده‌اند که متأسفانه بیشتر این کتابها در پی آتش‌سوزی کتاب‌خانه‌ها، جنگها و تعصبات مذهبی از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

تا اینکه در پایان قرن چهارم، عالم و ادیب فرزانه، سید شریف رضی، ظهور کرد و احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام به انتخاب خود تألیف نمود و آن را نهج‌البلاغه نامید. از این جهت که نهج‌البلاغه دربردارنده خطبه‌هایی در غایت فصاحت و بلاغت است، نقطه عطفی برای نوشتن شرح و تفسیر کلام امیرالمؤمنین و نوشتن ملحقات، تزییلات و مستدرکات بر این کتاب شد.





قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان بن داوود الاسفرایینی (م ۴۸۸ ق) بر نهج البلاغه تزییلی به نام «قلائد الحكم و فرائد الكلم من كلام علی بن ابی طالب علیه السلام» نوشت که در آن بعضی از کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام را که در نهج البلاغه نیامده، گردآورد. (حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۳۵۳؛ آقابزرگ، ج ۱۶، ص ۳۹؛ سید محسن امین، ج ۸، ص ۱۳۳) خلف بن عبدالمطلب بن محمد، ملقب به مهدی بن فلاح المشعشعی الحویزی نیز مستدرکی دیگر به نام «النهج القویم فی کلام امیرالمؤمنین علیه السلام» تألیف کرد و در آن، بعضی از روایات امیرالمؤمنین علیه السلام را که در نهج البلاغه نیامده، نقل کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۴۲۳) علم الهدی فرزند فیض کاشانی نیز کتابی با نام «معادن الحکمة فی مکاتیب اهل البيت علیه السلام» نوشت. او نیز در کتاب خود برخی از کلمات و توقیعاتی که در نهج البلاغه نقل شده، روایت کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۱، ص ۱۷۷)

از دیگر کسانی که در این عرصه گام نهاده، عالم و محدث ادیب احمد بن ناقه است. وی در میان روایات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌هایی را انتخاب نموده که در نهج البلاغه نیامده است. همین‌طور در ادامه، برخی از وصیتهای پیغمبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام، برخی از اخبار در فضائل اهل بیت علیه السلام و برخی از ادعیه و حرزها را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. در اینجا نظری به شخصیت احمد بن ناقه می‌اندازیم.

ابو العباس احمد بن ناقه المسلی الكوفی

سمعانی در الأنساب، انتساب احمد بن ناقه را به مُسلی چنین شرح می‌دهد: مسلی به ضمّ میم و سکون سین و در آخر لام، به مُسلیّه بن عامر بن عمرو بن علة بن جلد بن مالک بن ادد می‌باشد و مالک همان مذحج است. بسیاری از علماء به این قبیله منسوب‌اند. مُسلیّه در کوفه واقع است که به همین سبب، بنی مسلیه به کوفی منسوب شدند.

و جماعتی به این محله نسبت داده شده‌اند که از این قبیله نبودند؛ از ایشان احمد بن یحیی بن الناقه المسلی است که در این محله سکنی گزیده بوده است. اسم احمد بن الناقه المسلی در الوافی بالوفیات به اشتباه، ابن الناقه المسیکی آمده است.

(صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) گویا حاجی خلیفه در کشف الظنون از صفدی پیروی نموده و به اشتباه المسیکی آورده است. (حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۶۷۰) سیوطی نیز در بغیة الوعاة المسیکی آورده است. گویا عمر کحاله نیز در معجم المؤلفین از سیوطی تبعیت نموده است.

احمد بن ناقه در سال ۴۷۷ به دنیا آمد. وی در طول حیات علمی خود پس از استفاده از بزرگان علم در کوفه، به بغداد - که در آن زمان مرکز علم بوده است - مهاجرت کرد و در آنجا از بزرگان بغداد استفاده نمود. سپس به کوفه مراجعت کرد و در سال ۵۵۹ ق درگذشت. همه شرح حال نگاران سال درگذشت وی را همین سال گزارش کرده‌اند (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰؛ حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۶۷)؛ اما ذهبی در سیر اعلام النبلاء سال درگذشت وی را ۵۵۷ ق می‌داند. وی در شرح حال ابن کروس چنین گفته است: «ابن کروس در صفر سال ۵۵۷ ق درگذشت. و در همین سال، ابوالعباس احمد بن ناقه کوفی محدث از دنیا رفت.» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۹۲-۳۹۳) همو در کتاب تاریخ الاسلام روز وفاتش را عید فطر و مکان وفاتش را کوفه می‌نویسد.

جایگاه احمد بن ناقه در میان علماء

ابوالعباس احمد بن ناقه در کتابهای تراجم و رجال، به علم و فضیلت شناخته شده است. ابن اثیر جزری پیرامون وی چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه صاحب فضیلت و شاعر بود. وی حدیثهای فراوانی شنید و در همین موضوع کتابی تألیف نمود.» (عزالدین ابن الاثیر جزری، ج ۳، ص ۲۱۲) یاقوت حموی نیز در معجم البلدان چنین کلامی را در وصف احمد بن ناقه می‌گوید. (یاقوت حموی، ج ۵، ص ۱۲۹)

سمعانی که خود شاگرد احمد بن ناقه بوده در وصف وی چنین می‌گوید: «استاد ما استادی فاضل، شاعر و مأنوس با حدیث بود. وی احادیث فراوانی شنید و کتابی در این زمینه تألیف نمود که آن را الأمثال نامیده.» (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

عمادالدین کاتب صاحب خريدة القصر و جريدة العصر در توصیفات احمد بن ناقه پس

از نقل شعری از وی به نقل از سمعانی، چنین می‌گوید: «برای او شعری است که از تاریخ سمعانی خواندم... او سرشناس بزرگان، علامه روزگار، و تیزهوش تیزهوشان است و ما از شنیدن اشعار وی لذت می‌بریم.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) همو درباره علم و آگاهی احمد بن ناقه به حدیث چنین می‌گوید: «وی از اصحاب عالی حدیث از اهل کوفه بود.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴)

صفدی در الوافی بالوفیات وی را چنین می‌ستاید: «احمد بن ناقه راستگو و دارای طریقه‌ای نیکو بود.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

ابوبکر محمد بن عبدالغنی البغدادی الحنبلی، معروف به ابن نقطه، در کتاب خود به نام تکملة الإكمال پس از ذکر مشایخ احمد بن ناقه، وی را توثیق می‌کند و محدثی ثقه و مورد اطمینانش می‌خواند «ابن ناقه ثقه و مورد اطمینان بود. حدیث زیادی نوشت و جمع کرد و روایت نمود. گروهی در بغداد و کوفه از وی روایت نقل کرده‌اند.» (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)

ابو احمد بن محمد در معجم السفر شنیدن و سماع حدیث وی را چنین می‌ستاید: «ابن نه سنّ زیادی داشت و در کوفه به سلوک در راه نیکو مشهور بود. وی حدیث را درست می‌شنید و حفظ می‌کرد.» (ابوطاهر السلفی، ج ۱، ص ۴۴۷)

احمد بن ناقه در شعر و ادبیات

همان‌طور که گذشت، احمد بن ناقه در علم حدیث مقام والایی داشت؛ اما شخصیت وی در همین زمینه خلاصه نمی‌شود. بنابر گزارش شرح حال نویسان، وی در شعر و ادبیات عرب نیز چیره دست بود. الضوء اللامع (ابوالخیر سخاوی، ج ۱، ص ۶۶) خریده القصر و جریده العصر (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) و الوافی بالوفیات (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) نمونه‌هایی از اشعار وی را نقل کرده‌اند.

احمد بن ناقه به نحو عربی عالم بود. وی نحو را در کوفه فراگرفت و در همین زمینه کتابهایی را تصنیف نمود. صفدی در این رابطه چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه دستی در نحو داشت. وی نحو را در کوفه خواند. در همان‌جا حدیث روایت کرد و در زمینه نحو به تصنیف پرداخت.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) جلال الدین سیوطی نیز در

بغية الوعاة وی را از نحویان می شمرد و کلام صفدی را نقل می کند. (سیوطی، ج ۱، ص ۳۹۵)
 احمد بن ناقه در موضوع نحو کتابی با نام المسائل الکوفیة للمتأدبة الکرخية نوشته که
 در آن ده مسأله را به طور معمّاگونه مطرح کرد و سپس به شرح آن پرداخت.

مشایخ و استادان احمد بن ناقه

۱. ابو محمد الحسن بن علی بن عبدالعزیز التککی (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)
۲. ابوالقاسم علی بن الحسین الربعی المعروف بابن عریبة (ابن نقطة، باب عریبة).
۳. علی بن محمد بن مسورة. (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲)
۴. محمد بن عبدالباقي بن مجالد البجلي. (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲)
۵. ابوالغنائم محمد بن علی بن میمون النرسی، معروف به ابی النرسی. وی بزرگترین استادان احمد بن ناقه بود. احمد بن ناقه ملازم وی بود؛ به طوری که استفاده بسیاری از وی کرد. (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴)
۶. ابوالبقاء المعمر بن محمد بن علی الحبال. (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)
۷. هبة الله بن أحمد الموصلي. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ سماعی، ج ۵، ص ۲۹۶)

پدرش، یحیی بن احمد بن زید بن ناقه المسیلی. (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

راویان از احمد بن ناقه

۱. ثابت بن مشرف بن ابی سعد البناء ابوسعید بن شستان. (ابن الدبیثی، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۵۲-۱۵۳)
۲. الحسن بن الدریبی. (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۲-۱۱۳)
۳. ابوالفرج عبدالرحمن بن شجاع بن الحسن بن الفضل الفقیه الحنفی البغدادی. (صفدی، ج ۱۸، ص ۹۰)
۴. عبدالرشید بن محمد بن عبدالرشید بن ناصر ابو محمد الصوفی. (ابن الدبیثی، ص ۲۷۵؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۶۴)

۵. عبدالسلام بن العالم الفاضل عبدالله احمد بن بکران. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۳۱۹)
 ۶. عبدالله بن جعفر بن هبة الله بن محمد بن عبدالله الشریف. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۱۵۰ - ۱۵۱؛ ابن الدبیثی، ص ۲۱۴)
 ۷. عبدالمحمود بن احمد بن علی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۴۳)
 ۸. ابوالقاسم علی بن محمد بن الحسن بن الطیب الزهری الکوفی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۲، ص ۳۰۹؛ ابن الدبیثی، ص ۳۰۵؛ ابن نقطه، ج ۴، ص ۴۶۸ حرف فاء)
 ۹. غیداق بن جعفر الدیلمی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۲۵)
 ۱۰. پسرش، ابومنصور محمد بن احمد بن یحیی بن ناقه المسلی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۲، ص ۱۴۲؛ ابن الدبیثی، ص ۱۱)
 ۱۱. محمد بن هبة الله بن الحسین بن جزنا ابومنصور التمیمی الکوفی. (صفدی، ج ۵، ص ۱۰۱)
 ۱۲. مختص بن عبدالله الحبشی ابوالعز الخادم مولی القاضی ابی جعفر. (ابن الدبیثی، ص ۲۵۳؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۴۶۳ - ۴۶۴)
 ۱۳. ابوسعید السمعانی؛ صاحب کتاب الأنساب. (سمعی، ج ۵، ص ۲۹۶)
 ۱۴. مسمار بن العویس. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶ - ۲۱۷)
 ۱۵. نصرالله بن محمد بن الحسین الحائری بو نصور الکوفی، معروف به ابن مدلل. (ابن الدبیثی، ص ۳۵۵؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶ - ۲۱۷)
 ۱۶. ابوالحسن بن المقیر. وهو آخر من روى عنه بالإجازة. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)
- آثار احمد بن ناقه**
۱. «کتاب الوصیة». علامه مجلسی طریق حسن بن الدربی برای این کتاب را چنین شرح می دهد: «کتاب الوصیة تصنیف احمد بن یحیی ناقه کوفی است که حسن بن دربی آن را از سید ضیاء از مؤلف روایت می کند.» (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۳)
 ۲. «کتاب الحذف و الاضمار». سید ابن طاووس از این کتاب در سعد السعود مطالبی

ذکر می‌کند و فصلی را به مطالب این کتاب اختصاص می‌دهد. سعدالسعود از جزء دوم این کتاب مطالبی پیرامون حذف و اضممار و تفسیر «و كذلك بعثناهم» (کَهِف ۱۸ / ۱۹) در داستان اصحاب کَهِف ذکر می‌نماید. (ابن طاووس، سعدالسعود، ص ۲۲۸؛ اتان کلبِری، ص ۲۸۴)

۳. «المسائل الكوفية للمتأدبة الكرخية». این کتاب مشتمل بر ۱۰ مسئله است به نحو معماگونه که به شرح آنها نیز می‌پردازد. (اسماعیل پاشا، ج ۱، ص ۸۶ عمر کحالة، ج ۲، ص ۱۹۹)

۴. «الامثال فی الحديث». ابوسعید السمعیانی این کتاب را از تألیفات احمد بن ناقه ذکر می‌نماید.

۵. مستدرک نهج البلاغه. از این کتاب سه نسخه خطی بر جا مانده است که ملحق به نسخه‌های خطی نهج البلاغه است.

مستدرک احمد بن ناقه

مستدرک احمد بن ناقه از جمله کتابهایی است که اهمیت آن با مراجعه و خواندن آن آشکار می‌گردد، چنان‌که مستدرک بودن این کتاب بر نهج البلاغه و دارا بودن روایات که در نهج البلاغه نیست، جلوه‌ای دیگر از اهمیت آن می‌باشد.

نخستین روایتی که احمد بن ناقه در این کتاب ذکر می‌کند خطبه الدرة الیتیمه در موضوع توحید می‌باشد. این خطبه که از امام علی علیه السلام صادر شده، در هیچ مصدری از مصادر حدیثی موجود به نحو کامل ذکر نشده است. علامه طهرانی در الذریعة به این مطلب اشاره می‌کند. همچنین از کلام ابن شهر آشوب چنین برداشت می‌شود که این خطبه در عصر وی مشهور بوده است، ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السلام چنین می‌گوید: «از خطباء علی بن ابی طالب علیه السلام است که ایشان فصیح‌ترین و خطیب‌ترین ایشان است. برای نمونه به خطبه‌هایی مانند التوحید، شفشقیه، هدایه، ملاحم، لؤلؤة، غراء، قاصعة، افتخار، أشباح، الدرة الیتیمه و ... مراجعه کن.» (ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۲۵)

همان‌طور که گفته شد، این خطبه در هیچ یک از مصادر حدیثی موجود

نمی باشد؛ اما قسمتهای مختلفی از این خطبه در برخی از کتابها نقل شده است که بدانها اشاره می کنیم:

سَلَمی در تفسیر خود، قسمت کوتاهی از این خطبه را در ذیل آیه ﴿وَلَا يَحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ (طه ۲۰ / ۱۱۰) ذکر می کند: «وکیف یدرک شیء مِنْ صفات مَنْ الجهات لا یضمنه... بل هو موجد کلّ موجود و خالق کل موصوف، جلّ و تعالی» (سلمی، ج ۱، ص ۳۶) طبرسی در کتاب الاحتجاج قسمتی از عبارات این خطبه را نقل و به امیرالمؤمنین منسوب می کند: «و قال علیه السلام فی خطبة أخرى: دلیله آیاته، و وجوده إثباته، و معرفته توحیده... کلّ ما تصوّر فهو بخلافه.» (طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۵۳)

حسن بن علی سقاف در کتاب خود به نام شرح العقيدة الطحاوية قسمت دیگری از این کلمات را نقل می نماید و آن را به بعضی از علماء نسبت می دهد: «ألزم الله الخلق الحدث... هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، القريب البعيد، «الذی لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر» انتهى.» (السقاف، ص ۲۵۹ - ۲۶۰)

تحف العقول برخی از کلمات این خطبه را با اختلافاتی ذکر می نماید: «خطبته علیه السلام فی إخلاص التوحيد: إنّ أوّل عبادة الله معرفته... و لا فی المسألة عنها جواب.» (حرانی، ص ۶۱ - ۶۷)

شیخ مفید در الارشاد همین قسمت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل می کند: «أوّل عبادة الله معرفته... و بمقارنته بین الأمور المقترنة علم أن لا قرین له.» (مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۳)

روضة الواعظین نیز عبارت پایانی این خطبه را نقل می کند: «و قال أمير المؤمنين علیه السلام: بصنع الله يستدلّ علیه...» (فتال نيسابوری، ص ۲۰)

شیخ صدوق روایتی از امام رضا علیه السلام در موضوع توحيد نقل می کند که نزد مأمون عباسی ایراد شده است. متن این خطبه بسیار نزدیک و شبیه به قسمت پایانی خطبه الدرة اليتيمة می باشد. امام رضا علیه السلام چنین فرموده است: «أوّل عبادة الله معرفته... و لا فی المسألة عنه جواب.» (صدوق، التوحيد، ص ۳۴ - ۴۱؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۵ - ۱۳۸؛ همو، امالی، ص ۲۲ - ۲۴؛ طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۴ - ۱۷۸؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۲۷ - ۲۳۰؛ جزائری، ج ۱، ص ۱۹۵ -

۲۰۰) این مقدار از خطبه با اختلاف اندکی در الدرة اليتيمة دیده می شود؛ اما در انتهای روایت امام رضا علیه السلام قسمتی علاوه بر آنچه در الدرة اليتيمة است وجود دارد: «ولا في معناه تعظيم... و خسروا خسراً مبيناً و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.» در اینجا احتمال می رود امام رضا علیه السلام گفتار جد بزرگوارشان امام علی علیه السلام را نقل کرده، سپس این قسمت مذکور را که در الدرة اليتيمة نیست، اضافه نموده است و یا اینکه این قسمت اضافه نیز از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه الدرة اليتيمة است که در نقل راویان افتاده است.

از خطبه های دیگری که احمد بن نایف در این کتاب ذکر می کند، خطبه اقالیم می باشد. ابن شهر آشوب این خطبه را چنین توصیف می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اقالیم ویژگیهای هر اقلیمی را ذکر می کند، سپس به شرح وقایع بعد از هجرت ده سال می پردازد؛ از درگذشت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا سیصد و ده سال پس از آن و به فتح قسطنطنیه، صقالیه، اندلس، حبشه، نوبه، ترک، کرک، مل، حیسل، تاریس، صین و به دورترین شهرهای دنیا اشاره می کند.» خطبه اقالیم نیز نه در نهج البلاغه و نه در مستدرکات نهج البلاغه ذکر نشده است. علامه آقابزرگ طهرانی درباره این خطبه چنین می گوید: «خطبه اقالیم خطبه ای است بزرگ در ملاحم از امیرالمؤمنین علیه السلام. این خطبه را سید رضی در نهج البلاغه نیآورده، چنانکه در هیچ یک از مستدرکهای تألیف شده در این عصر وجود ندارد.» (آقابزرگ، ج ۷، ص ۱۹۸-۱۹۹)

یادآوری می شود که با قرائنی که در این خطبه وجود دارد، به اتحاد خطبه اقالیم و خطبه بیانی که امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه ایراد فرموده است، پی می بریم؛ چرا که اصبح بن نباته در ابتدای روایت چنین می گوید: «کسی را حافظ تر از خود برای خطبه و داع که نامش خطبه اقالیم و بیان در کوفه است، نمی دانم.» (ابتدای خطبه اقالیم) در وجه نامگذاری این خطبه به خطبه اقالیم و خطبه بیان، می توان چنین گفت که این خطبه به اعتبار ذکر فتنه های اقلیمهای مختلف و اسامی اصحاب امام زمان علیه السلام در اقالیم مختلف، به خطبه اقالیم نامیده شده و به اعتبار بیان ملاحم و فتن و علائم

ظهور به خطبه بیان نامیده شده است.

خطبه دیگری که در مستدرک احمد بن ناقة وجود دارد و در نهج البلاغه و مستدرکات دیگر نهج البلاغه یافت نمی شود، خطبه بیان است که امام علی علیه السلام آن را در بصره ایراد فرمودند. مؤلف الزام الناصب در کتاب خود خطبه بیان در بصره را از امیرالمؤمنین علیه السلام از دو نسخه نقل می کند (حائری، ج ۲، ص ۱۷۸ - ۲۳۲) که اختلافات آن با آنچه در مستدرک احمد بن ناقة است، بسیار زیاد می باشد.

وجه نامگذاری این خطبه به بیان نیز آن است که بنا بر گفته مالک اشتر این خطبه را خود امیرالمؤمنین علیه السلام به خطبه بیان نامگذاری نمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه بلیغی ایراد فرمود که آن را خطبه بیان نامید.» (ابتدای خطبه بیان) از فائده های دیگر این کتاب آن است که برای خطبه موقه که خالی از الف است، سندی ذکر شده است که در مصادر حدیثی دیگر وجود ندارد.

نسخه های مستدرک احمد بن ناقة

قبل از هر چیز باید به این مطلب اشاره کرد که مستدرک احمد بن ناقة به پایان سه نسخه خطی که از نهج البلاغه به جا مانده، ملحق شده است. ویژگی های این سه نسخه عبارت است از:

۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی که به شماره ۱۸۶۰ نگهداری می شود. این نسخه به خط نسخ در ۱۶۱ ورقه که در هر صفحه ۲۳ سطر می باشد، به کتابت در آمده است. مستدرک احمد بن ناقة ملحق به این نسخه از نهج البلاغه است و از ورقه ۱۳۵ شروع و تا ۱۶۱ به اتمام می رسد.

کاتب نسخه و مستدرک، محمد بن محمد بن حسن الطویل الصفار الحلی است که نسخه را در شهر واسط نوشته است. بر اساس گزارش کاتب، کتابت نهج البلاغه را در روز پنجشنبه ۱۲ جمادی الآخرة سال ۷۲۹ ق به اتمام رسانده و کتابت جزء (کتاب احمد بن ناقة) را در روز چهارشنبه ۱۸ جمادی الآخرة همان سال به اتمام رسانیده است. نسخه مذکور نسخه ای است اعراب گذاری شده و متن آن کامل می باشد.

[illegible]

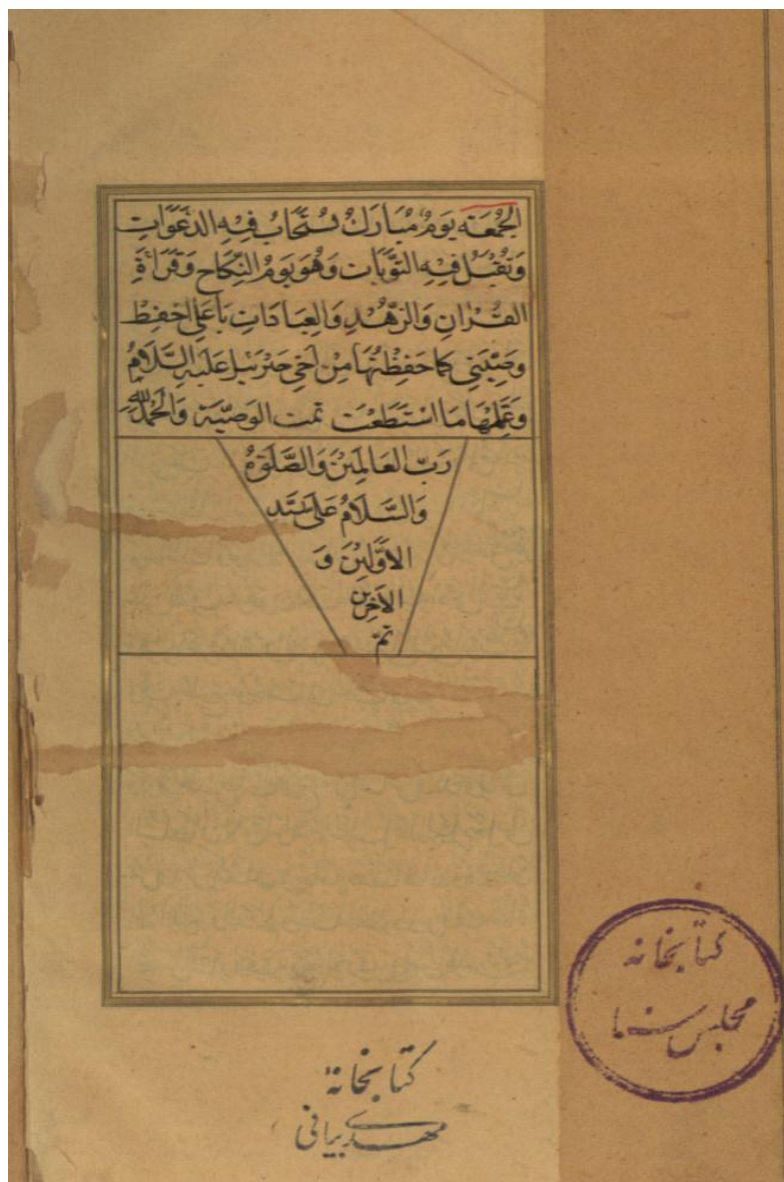
«صفحة اوّل از نسخه مذکور»

۲. نسخه کتابخانه مجلس (سنا) در تهران. این نسخه که به شماره ۷۲۳۳ نگهداری می‌شود به خط نسخ در ۳۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک به این نسخه از نهج البلاغه ملحق است و از ورقه ۲۷۹ شروع و تا ورقه ۳۴۴ پایان می‌یابد. کاتب نسخه محمدباقر بن ابی الفتوح الحسینی الموسوی الشهرستانی است که نهج البلاغه را در روز پنجشنبه شعبان ۱۰۸۶ ق به کتابت در آورده است. اما خط نهج البلاغه و خط مستدرک ملحق یکی است که در نتیجه، کاتب مستدرک همان کاتب نهج البلاغه می‌باشد. اما به تاریخ اتمام کتابت مستدرک تصریحی نکرده است. این نسخه اعراب‌گذاری شده و متن آن نیز کامل است. تصویر صفحات آغاز و پایان این نسخه را در صفحه بعد ملاحظه کنید.

۳. نسخه کتابخانه آیت الله بروجردی که به شماره ۱۵۷ نگهداری می‌شود. این نسخه به خط نسخ و در ۲۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک از ورقه ۲۳۸ الی ۲۴۳ موجود است و باقی نسخه ناقص است. کاتب نسخه ذکر نشده؛ اما نهج البلاغه را از خط الشیخ الحسن بن یحیی بن کرم در ماه رمضان سال ۶۴۷ ق نوشته است. این نسخه قدیمی‌ترین نسخه‌های سه‌گانه، اما ناقص است؛ چراکه کل نسخه از پایین ناقص و مرطوب است و متن نهج البلاغه ترمیم و تصحیح شده؛ ولیکن مستدرک ابن‌ناقه به حال خود ناقص و مخروم مانده است.



«صفحه اول از نسخه مذکور»



«صفحه آخر از نسخه مذکور»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 خُطْبَةٌ مِنْ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 طَالِبُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَفِي الْمَعْرِفَةِ بِالذِّمَّةِ الْبَقِيَّةِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدٌ مُعْتَرِفٌ بِمُحَمَّدٍ مِنْ خِيَارِ مَجْدٍ بِلِسَانِ الشَّاءِ
 شَاكِرًا وَلِحُسْنِ الْإِيَادِ بِطَائِفَةِ الَّذِينَ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ
 وَالشَّرَّ وَالنَّفْعَ وَالضَّرَّ وَالسُّخُونَ وَالْحَرَكَةَ وَالْأَجْسَامَ
 وَالذِّخْرَ وَالنَّشِيئَانَ وَالنَّهْمَ ذَلِكَ كُلُّهُ جَاءَ الْخَبَرُ إِذَا الْقَدَمُ
 لَهُ لِأَنَّ الَّذِي بِالْحَيَاةِ قَوَامُهُ فَالْمَوْتُ يُعَدُّهُ وَالَّذِي بِالْجَسَمِ
 ظُهُورُهُ فَالْعَرَضُ يَلْزَمُهُ وَالَّذِي بِالْأَبْدَانِ أَجْمَعَةٍ فَقَوْلَاهَا
 تَمْسِكُهُ وَالَّذِي بِجَمْعِهِ وَقْتُ يُفَرِّقُهُ وَقْتُ وَالَّذِي سَبَقَ
 الْعَبْدَ وَجُودُهُ فَالْحَالُ أَسْمُهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَالَّذِي يُعْجِبُهُ غَيْرُهُ
 فَالْأَصْرُورَةُ تَمْسِكُهُ وَالَّذِي يَنْفَعُهُم بِالْأَعْصَاءِ يَكْفِيهِ سَخْنُهُ وَالَّذِي
 يَنْشَبُتُ بِهِ الْوَصْفُ فَيُحْدِثُ صِفَتَهُ وَالَّذِي لَهُ الْعَرَضُ فِي الطُّوْلِ
 مَسَاحَتُهُ وَالَّذِي يَخْتَلِي مِنَ الْحَلِيمِ يَنْصِبُهُ وَالَّذِي الْيَصْفَةُ بِحُلْمِهِ

«صفحه اول از نسخه مذکور»



«صفحه پایانی از نسخه مذکور»

منابع

١. ابن اثير جزرى. اللباب فى تهذيب الأنساب. بيروت: دار صادر.
٢. ابن النديم. الفهرست. تحقيق: رضا تجدد.
٣. ابن ديبش. المختصر من تاريخ ابن الديبش. اختصره محمد بن أحمد بن عثمان الذهبى. تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
٤. ابن حاتم عاملى. الدر النظيم. قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
٥. ابن طاووس حلى. سعد السعود. قم: منشورات الرضى، ١٣٦٣ ق.
٦. ابن نقطه، ابوبكر محمد بن عبدالغنى البغدادى الحنبلى. تكملة الاكمال. تحقيق: دكتور عبدالقيوم عبدالرب النبى، مكّة: مركز احياء التراث الاسلامى، ١٤٠٨ ق.
٧. ابوالبركات محمد بن أحمد الدمشقى الباعونى الشافعى. جواهر المطالب. تحقيق: شيخ محمد باقر محمودى، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ١٤١٥ ق.
٨. ابوالعباس أحمد بن على بن العباس نجاشى. فهرست أسماء مصنفى الشيعة (رجال نجاشى). تحقيق: سيد موسى شيبيرى زنجانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٦ ق.
٩. ابوسعبد الكريم بن محمد بن منصور تميمى سمعانى. الانساب. تقديم و تعليق: عبدالله عمر البارودى، بيروت: دارالجنان للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٨ ق.
١٠. ابوطاهر احمد بن محمد السلفى. معجم السفر. تحقيق: عبدالله عمر البارودى. مكّة المكرمة: المكتبة التجارية.
١١. آقابزرگ طهرانى. الذريعة. بيروت: دارالاضواء، بيروت: ١٤٠٣ ق.
١٢. امين، سيد محسن. اعيان الشيعة. تحقيق و تخريج: حسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
١٣. بغدادى، اسماعيل پاشا. هدية العارفين، أسماء المؤلفين و آثار المصنفين. إستانبول: ١٩٥١ م. افست بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٤. حاجى خليفه. كشف الظنون عن أسامى الكتب و الفنون. مقدّمة: آية الله العظمى السيد شهاب الدين النجفى المرعشى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٥. جزائرى، سيد نعمت الله. نور البراهين او تيسر الوحيد فى شرح التوحيد. تحقيق: سيد مهدى رجائى مؤسسة

النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۶. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان. تاریخ الاسلام. تحقیق: دکتر عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۱۷. — سیر اعلام النبلاء. تحقیق: حسین الاسد، اشراف بر تحقیق و تخريج احادیث: شعيب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

۱۸. سخاوی، ابوالخیر محمد بن عبدالحمن. الضوء اللامع. ۹۰۲ ق.

۱۹. سُلَیْمی، تفسیر السُلَیْمی. تحقیق: سید عمران. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.

۲۰. صفدی، الوافی بالوفیات. تحقیق: احمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. الفهرست. تحقیق: الشیخ جواد القیومی، مؤسسة نشر الفقاهة فی ایران، شعبان المعظم ۱۴۱۷ ق.

۲۲. علامه حلی. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال. تحقیق: الشیخ جواد القیومی، مؤسسة نشر الفقاهة فی ایران، عید الغدير، ۱۴۱۷ ق.

۲۳. عمادالدین کاتب، محمد بن محمد. خريدة القصر و جريدة العصر. تحقیق: عمر الدسوقي و علی عبد العظیم. المجمع العلمی العراقی.

۲۴. کخالة، عمر رضا. معجم المؤلفین. بیروت: مكتبة المثنی و دار إحياء التراث العربی.

۲۵. کلبرگ، إتان. کتابخانه ابن طاووس واحوال و آثار او (فارسی). ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۳۷۱ ش.

۲۶. مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام. بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.